



بیانیه اندیشکده مطالعات راهبردی قفقاز، آناتولی و آسیای میانه دانشگاه تبریز در باره اوضاع جاری قفقاز

سرنوشت منطقه اعم از غرب آسیا و قفقاز به دست توانای مردم منطقه و با هدایتها و مراقبتهای جمهوری اسلامی ایران رقم خواهد خورد و چه خوب است که مسوولین کشورهای منطقه در تعامل با قدرتهای حقیقی و واقعی منطقه و مردم خود سیاستگذاری نمایند

به گزارش آران نیوز اندیشکده مطالعات راهبردی قفقاز، آناتولی و آسیای میانه دانشگاه تبریز در باره اوضاع جاری قفقاز بیانیه ای بدین شرح صادر کرد :

باسمه تعالی

بیانیه اندیشکده مطالعات راهبردی قفقاز، آناتولی و آسیای میانه دانشگاه تبریز در باره اوضاع جاری قفقاز

منطقه جنوب قفقاز که با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای در سالهای 1813 و 1828 میلادی در اثر بی لیاقتی شاهان قاجار و تجاوزات مکرر روسیه تزاری از ایران جدا شد و بعدها در بدنه اتحاد جماهیر شوروی ادامه حیات داد؛ با فروپاشی شوروی، کشورهای جدا شده از ایران در این منطقه اعلام استقلال کردند و جمهوری اسلامی ایران علیرغم داشتن توان الحاق برخی از آنها به خود، و نیز تمایل و درخواست مردم برخی نواحی در آذربایجان و ... نجابت به خرج داده، استقلال آنها را به رسمیت شناخت و مضاف بر آن، علیرغم اینکه خود سالهای سخت و طاقت فرسای دفاع 8 ساله را پشت سر گذاشته بود و در حال حل مشکلات ناشی از آن دوران بود در سامان دادن به مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنها به ویژه جمهوری آذربایجان تا حد امکان یاری نمود و با اقدامی اسلامی، انسانی همان ابتدا در مقابل تجاوز دشمنان به آذربایجان در جنگ اول قره باغ، جانانه از آنها دفاع و شهیدانی را نیز تقدیم کرد و این در حالی بود که مدعیان امروزی دوستی با جمهوری آذربایجان همانروزها سر در لاک عافیت فرو بردند و جمهوری آذربایجان را تنها گذاشتند و در تعامل با رژیم کودک کش صهیونیستی در کشور اسلامیشان در استحکام بنیانهای حکومت لائیک تلاش می کردند. جمهوری اسلامی ایران در تمامی سطوح مسوولین سیاسی تا بالاترین سطح یعنی رهبری نظام، مدافع تعلق همیشگی منطقه قره باغ به جمهوری آذربایجان بوده و این سیاست ثابت و بدون اغماض نظام اسلامی است لیکن غرب وحشی و نظام صهیونیستی عالم وقتی از پیروزی در جبهه سوریه و عراق بازماند و بعد از هزینه کرد گزاف با افتضاح تمام عرصه را ترک کرد سگ هار خود (رژیم اشغالگر صهیونیستی) را در منطقه فعال نمود تا با فروش سلاح به کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان و تحریک آندو در جوار جمهوری اسلامی ایران آتش افروزی کند و به خیال خام خود ایران اسلامی را با برادران مسلمان و هم فرهنگ خود درگیر سازد . اتفاقات نزدیک به دو سال گذشته منطقه قفقاز برای همه تلخ بود و برای مسوولین و مردم ایران تلخ تر . لیکن جمهوری اسلامی با صبر راهبردی و قدرتمندانه خود، میدان را مدیریت کرد و در قبال جهالت و خامی برخی سردمداران و فرصت طلبی برخی طلبان در منطقه و با درایت و تدبیر، نقشه های دشمن صهیونیستی و غربیها را ناکام گذاشت . متأسفانه سیستم حاکمیتی جمهوری آذربایجان و ترکیه به دلیل بازی خوردن از صهیونیستها در سخن گفتن نیز دچار آشفتگی شده اند . روزی دم از حسن همجواری زده و به ارمنیها پیام می دهند که اگر دالان ادعایی و جعلی زنگه زور باز نشود از مسیر ایران استفاده خواهند کرد ، هنوز این سخن تثبیت نشده مسوول دیگری دوباره باز شدن دالان ادعایی را با تهدید مطرح می کند و این نشان از درهم ریختگی سیستم تصمیم گیری در هر دو کشور می باشد و البته دلیل اصلی را در قدرت و هژمونی منطقه ای جمهوری اسلامی نیز می توان سراغ گرفت . ولی به نظر می رسد این تذبذب حاکی از عقب نشینی هر دو کشور از اشتباه راهبردییشان در مکرر کردن حال همسایه بزرگتر و قدرتمندی مانند ایران است و گیر کردن در رو در بایستی .

با پذیرش همین رویکرد حداقلی از جمهوری آذربایجان و ترکیه، ذکر نکاتی خطاب به مسوولین این کشورها ضروری می نماید:

غفلت از کینه دیرینه نظام استکباری عالم اعم از آمریکا و اروپا و صهیونیستها نسبت به مردم مسلمان و حاکمان آنها به ویژه در منطقه قفقاز و آناتولی نه تنها عاقلانه نیست بلکه به میزان اعتمادتان به این وحشی های بی تمدن چنگالهای زهرآگینشان بیشتر در قلب خودتان و ملتهایتان فرو خواهد رفت .

بیقین مسلمانان جمهوری آذربایجان خدمات بی شائبه جمهوری اسلامی ایران و شهدای ایرانی در جنگ اول قره باغ را فراموش نکرده اند و اسناد تاریخی مکتوب و شفاهی مؤید این حقیقت می باشد و لازم است که برخی مسوولین غافل جمهوری آذربایجان نیز به دور از اصرار بر انکار، نسبت به این بزرگواری و کمک های بی شائبه شاکر و سپاسگزار باشند و با رعایت حق همسایگی در راستای منافع مردم مسلمان خود حرکت نموده، از سیاستهای ضد انسانی آمریکا و رژیم صهیونیستی دوری گزینند. چرا که اگر کمکهای جمهوری اسلامی در آلمان نبود الان چند سالی بود که صدای ناقوسها از بلندای مساجد باکو به گوش می رسید. همان مساجدی که رئیس دینی قفقاز (الله شکر پاشازاده) پز مدیریت بر آن مساجد را می دهد .

لازم است که حاکمان جمهوری ترکیه نیز یکبار دیگر لحظات و صحنه های ملتهد و خوفناک شب کودتای چند سال پیش را مرور کنند و کمکهای اطلاعاتی و عملی مسوولین جمهوری اسلامی را در نجاتشان از دست کودتاچیان برای خود یادآوری نمایند تا شاید وجدانشان اجازه ناسپاسی به آنها ندهد .

اینک که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری قدرتمند و دارای نفوذ در سازمانهای اقتصادی مهمی همچون شانگهای و بریکس حضور یافته و هویت جدیدی را به منطقه غرب آسیا بخشیده است ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز می توانند با بهره گیری از توان و نفوذ و ظرفیتهای سیاسی و اقتصادی ایران برنامه های ترانزیتی خود را در کریدورهای ترسیمی ایران سامان داده و به صورت معقول به جهان آزاد راه یابند و نیازی به بازی در میدان رژیم صهیونیستی و آمریکا و در سرپروراندن دالانهای قومیتی نخواهد بود . چگونه است که بیش از 30 سال ترانزیت مسافر و کالا از جمهوری آذربایجان به نخجوان و ترکیه و دیگر نقاط جهان از مسیر ایران اسلامی انجام گرفته و مشکلی احساس نمی شد ولی ناگهان با تحریک گروههای نوعثمانی گرا لزوم گشایش دالان تورانی (ناتو) احساس می شود . صریح سخن اینکه خواست ناتو از زبان سران کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه بیان می شود .

با توجه به طرح برخی سخنان ادعایی هر از گاهی از زبان مسوولین دو کشور لازم به یادآوری است که اشغال 17 شهر ایرانی قفقاز توسط روسها و انتقال آن سرزمینهای اشغالی با نام جعلی جمهوری آذربایجان به دولت باکو و نیز اشغال منطقه ایرانی قره سو و آرات توسط آتاترک می تواند بازخوانی شده و در روابط فیما بین مدنظر باشد .

قطع ارتباطات دینی، عاطفی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان منطقه به ویژه بین مردم جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در دراز مدت به ضرر حاکمان مانع این ارتباطات خواهد بود . تصور اینکه در سایه قطع این ارتباطات می توان به ساختارهای مسلمانان آذربایجان حمله ور شد ، علما و فعالان دینی و سیاسی را به انواع تهمتها زندانی ساخت و آنها را در غربت اجباری و با ظلم شکنجه کرد و نشانه های دینداریشان را نابود کرد و این روش را برای همیشه ادامه داد خیال باطلی است که صهیونیستها به فکر برخی مسوولین آذربایجانی انداخته اند ولی بیقین در جمهوری آذربایجان عقلایی وجود دارند که قدر نعمت ارتباط مسلمانان آذربایجان با مردم ایران را بدانند .

عقل سلیم حکم می کند که حاکمان کشورهای اسلامی به ویژه در منطقه قفقاز و آناتولی سرنوشت خود را به سرنوشت صهیونیستها پیوند نزنند چرا که اگر صهیونیستها توان نجات کسی را داشتند اصولا باید اول ناجی خود از بدبختی باشند در حالی که امروز در آتش خشم درونی مهاجرین صهیونیست و در آتش خشم مقدس فلسطینیان مبارز و مسلمانان جهان در حال ذوب شدن هستند و هر عاقل مدبر و صاحب تحلیلی با نگاه به صحنه واقعی صهیونیستها حقیقت را در می یابد .

جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب رسالت تاریخی خود به عنوان قدرت ثبات ساز در قفقاز و در چهارچوب قواعد آمره حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل، ضمن تاکید بر تمامیت ارضی کشورها و مرزهای بین المللی، بر لزوم تامین حقوق و امنیت اقلیت ها از جمله ارمنه در جمهوری آذربایجان تاکید داشته و جابجایی و مهاجرت اجباری را نه راه حل بلکه بخشی از مشکل در چشم انداز آینده می داند .

اما سخنی با برخی مسوولین نظام اسلامی : دعوت از مسوولین موثر مراکز دینی کشورها به کنفرانس وحدت اسلامی کاری است بجا و پسندیده که همه ساله اتفاق می افتد و فرهنگ انقلابی اسلام به جانهای تشنه منتقل می شود ولی دعوت از شخصی همچون الله شکر پاشازاده (رئیس اداره دینی قفقاز) که هنگام نشستن بر سر سفره ایران، خود را مقلد رهبر معظم انقلاب اسلامی معرفی می کند و گاهی نیز با خاخامهای صهیونیست نرد بازی سیاسی می کند جای تامل دارد و

حداقل انتظار اینست که تا ایشان در مصاحبه ای تنبه خود را اعلام نکرده دعوت نشود .
پایان سخن اینکه : سرنوشت منطقه اعم از غرب آسیا و قفقاز به دست توانای مردم منطقه و با
هدایتها و مراقبتهای جمهوری اسلامی ایران رقم خواهد خورد و چه خوب است که مسوولین
کشورهای منطقه در تعامل با قدرتهای حقیقی و واقعی منطقه و مردم خود سیاستگزاری نمایند و
بس .